ظرفیت عظیم قم در اتصال علم و ادبیات

آرش محبوب‌زاده، نویسنده و پژوهشگر ساکن قم که در حال نگارش یک رمان فانتزی است، با ارجاع به کتاب «تاریخچه ادبیات فانتزی» نوشته ادوارد جیمز، ریشه‌های این ژانر را عمیقا مذهبی دانست و گفت: پایه‌گذاری‌های فانتزی با اندیشه‌های مذهبی صورت گرفته است. در تاریخ کلیسا و پس از قرون وسطی، کشیش‌ها برای اهداف تبلیغی و انتقال درونمایه‌های مذهبی به کودکان و نوجوانان، به نوشتن داستان‌های تخیلی روی‌آوردند.

وی این دغدغه‌مندی مذهبی را در نویسندگان بزرگ قرن بیستم نیز ساری و جاری دانست و افزود: عمده نویسندگان بزرگ فانتزی دغدغه مذهبی داشتند. نمونه بارز آن سی. اس. لوئیس، نویسنده «نارنیا»، یک مسیحی بسیار معتقد بود که صراحتا گفت «اصلان» نماد حضرت عیسی(ع) است. حتی پروفسور تالکین که از نمادپردازی مستقیم پرهیز داشت، یک مسیحی معتقد بود و المان‌های مسیحی و تاریخچه آن در رشته افسانه‌اش به وضوح دیده می‌شود.



این پژوهشگر فلسفه اسلامی، این مقدمه را به ظرفیت‌های ویژه قم گره زد و تصریح کرد: وقتی دین چنین نقش مهمی در فانتزی دارد، استان قم به‌عنوان یکی از قطب‌های اصلی جهان تشیع، ظرفیت فوق‌العاده‌ای دارد. ما در این شهر از حیث تعمیق دینی و حضور موسسات علمی و مراجع، چیزی کم نداریم.

ربط با او را پیشنهاد داده‌ایم

شن کلمات

ق دارد، کوتاه و کدگونه و رمزآلود است. لابد بیش ه غبار از چهره عماد داستان زدوده شود چراکه شبح‌گونه کار سختی است و ای بسا از کلمات و رهم کاری برنیاید. در کتاب شهید عماد مغنیه ، دختر و پسرش، مقاومتی‌های همرزم عماد، ام و نامی ایرانی و فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها نظر فهم و بسته به نوع ارتباط‌شان تصویری کم ن از عماد ارائه کرده‌اند.

های اصفهانی و مازنی، انس با هنر و شعر، توجه ناپیدا، رعایت دقیق و فوق‌العاده ملزومات ایت سیاسی و فهم فرهنگی و اجتماعی، توجه استقلال لبنان، مردم‌شناسی و مردم‌خواهی، سطین و بی‌خیال آرمان قدس نشدن، جلوتر از ث حرکت کردن، توجه به فرزندان و خانواده و... تر از این محورهای برجسته به‌نوعی در کتاب روایت شده است. علاوه بر او، حال و هوای لبنان قبل از حزب‌الله و فرهنگ مردم جنوب و حتی مسیحیان آن نقطه، وضعیت حضور گروه‌های فلسطینی در لبنان و جریان فتحی‌ها و لحدی‌ها و جریان یاسر عرفات، وضع سوریه و مواضع حافظ اسد، موضع ایران با حزب‌الله و فلسطین، وحشیگری دائمی و همیشگی صهیونیست‌ها و... در خلال روایت‌ها مذکور شده است.



حضور ناشناس در حیرت حاج قاسم

اعجوبه مخفی جبهه مقاومت در عین حالی که نامی شناخته شده بوده اما تطبیق نام او با چهره و حضورش، امری ناممکن برای بسیاری از افراد، از دوستان مقاومت بگیر تا مسئولین ایرانی و حتی دشمنانش بوده است. او در عین حالی که در صحنه حاضر بوده اما در هیبت راننده، مترجم، عکاس، سرودخوان و... ناشناس و مخفی به‌کارش می‌پرداخته. برای شناخت او، او را از دریچه نگاه سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی باید تحلیل کرد که حاجی هم از عماد در تعجب و حیرت بوده. توجه به این نکته می‌تواند راهگشای علاقه‌مندان به سیره شهدا باشد.

ساخته شدن در دل حادثه

این شهید عزیز هم مثل تمام شهدای راه حق سیری داشته و سلوکی و حرکتی. تحول و رسیدن و واصل و لاحق شدن، از حرکت برمی‌خیزد و با رکود و ماندن و گندیدن در خانه و شهر میانه‌ای ندارد.

عماد آدمی نبود که یکجا بنشیند و کلاس برود و کتاب بخواند تا در او اتفاقی حاصل شود. عماد ساخته شدن را در رفتن می‌دید، در حرکت، در پیشواز خطر رفتن، در دل حادثه نشستن، با مرگ انیس شدن و با شهادت طرح رفاقت ریختن. عماد مغنیه شهید برجسته سیر و سلوک و حرکت و دوری از گندیدگی و یکجانشینی است. همین اگر درس او باشد کافی است. همین اگر مثل زغالی در دامن من و ما افتاد کفایت می‌کند. همین حس و حال اگر بعد از بستن کتاب سراغ ما بیاید کافی است.

میراث «او» برای آیندگان

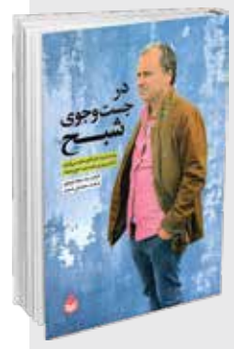
با او و خواندن سطر به سطر روایت‌ها و عزم و تمنا می‌توان امید داشت از ما هم مثل اویی به جهان اسلام و مقاومت معرفی شود. آرزوی محالی نیست و عزم و مردانگی می‌خواهد و جهادی فوق‌العاده همچون کارهای بزرگ عماد. پسر او در صفحه‌ای می‌گوید: «آخرین باری که بابا را دیدم ۱۸ ماه قبل از شهادتش بود. این عدد برای ما عدد خوبی است.» این‌طوری این راه و نهضت و مقاومت حفظ شد. با نبودن‌های بسیاری از باباها، بسیاری از عمادها، بسیاری از اوها. کتاب او را بخوانید که میثم امیری در آن گل کاشته.

۵ در جست‌وجوی شبح

کتاب «در جست‌وجوی شبح» را می‌توان یکی از هیجان‌انگیزترین و متفاوت‌ترین آثار مکتوب درباره اسطوره امنیتی حزب‌الله، شهید عماد مغنیه دانست. این کتاب که توسط «سید سجاد موسوی» گردآوری و ترجمه شده، در واقع پاسخی به یک کنجکاوی جهانی است؛ این‌که چگونه یک نفر توانست بیش از دو دهه، قدرتمندترین سرویس‌های جاسوسی دنیا از سیا تا موساد را در یک «بازی موش و گربه» مداوم شکست دهد.

جذابیت اصلی این کتاب در سبک روایت آن است. نویسنده تنها سراغ منابع داخلی مقاومت نرفته، بلکه با زیرکی، بخش قابل‌توجهی از متن را به بازخوانی گزارش‌های افسران اطلاعاتی غرب و تحلیل‌گران نظامی صهیونیست اختصاص داده است. خواننده در این کتاب با «شبحی» روبه‌رو می‌شود که در عین حضور در همه جا، در هیچ تصویری ثبت نمی‌شد.

از طراحی عملیات‌های پیچیده تا تغییر چهره‌های مداوم و زندگی در سایه، همگی در این اثر با ضرباهنگی تند و پرکشش روایت شده‌اند. «در جست‌وجوی شبح» فراتر از یک زندگینامه معمولی، یک «دایره‌المعارف امنیتی» کوچک است که نبوغ، صبر و اخلاص مردی را به تصویر می‌کشد که تا لحظه شهادت، رازش گشوده نشد.



۶ انتهایی مطلوب

کتاب «انتهایی مطلوب» (به عربی: الغایة القصوی) دریچه‌ای کاملا متفاوت و منحصربه‌فرد به جهان درونی و فکری شهید عماد مغنیه است. اگر کتاب‌های دیگر دنبال ردپای این «شبح» در راهروهای سازمان‌های اطلاعاتی هستند، «انتهای مطلوب» دنبال کشف ریشه‌های معرفتی و بنیان‌های اندیشه‌ای است که از یک جوان لبنانی، استراتژیستی در تراز جهانی ساخت. این اثر که بر پایه سخنرانی‌ها، یادداشت‌های پراکنده و توصیه‌های تشکیلاتی کمتر شنیده شده حاج‌رضوان تدوین شده است، بیش از آن‌که تمرکزش بر این باشد که «چه کارهای نظامی‌ای انجام داد»، بر «چگونه اندیشیدن» او متمرکز است. جذابیت کتاب در این است که مخاطب را با مدل مدیریتی و کادرسازی شهید مغنیه آشنا می‌کند؛ مدیریتی که ترکیبی نایاب از «معنویت شیعی»، «نظم آهنین» و «خلاقیت بی‌محابا» بود. در این کتاب، عماد مغنیه نه فقط به عنوان یک فرمانده میدانی، بلکه به مثابه یک «مربی بزرگ» ظاهر می‌شود که معتقد بود پیروزی بر دشمن، پیش از آن‌که در میدان جنگ رخ دهد، در میدان خودسازی و اشراف علمی حاصل می‌گردد. «انتهای مطلوب» برای کسانی که می‌خواهند بدانند مغز متفکر حزب‌الله چگونه نیروهای خود را برای نبردهای نابرابر آماده می‌کرد یک منبع دست‌اول و الهام‌بخش است.



۷ در تعقیب موریس

کتاب «در تعقیب موریس» یکی از متفاوت‌ترین و خواندنی‌ترین روایت‌ها درباره شهید عماد مغنیه است که بازبانی روایی و پرکشش، پرده از یکی از بزرگ‌ترین معماهای اطلاعاتی قرن بیست‌ویکم برمی‌دارد. واژه «موریس» در واقع یکی از نام‌های مستعار و رمزآلود حاج‌رضوان در دوران فعالیت‌های سری اوست؛ نامی که سال‌ها لرزه بر اندام سرویس‌های جاسوسی می‌انداخت، بدون آن‌که بدانند پشت این نام چه چهره‌ای نهفته است. جذابیت منحصربه‌فرد این کتاب در این است که نویسنده، مخاطب را در جایگاه یک «شکارچی» قرار می‌دهد که پابه‌پای ماموران سیا و موساد، در کوچه‌پس‌کوچه‌های بیروت و جاده‌های دمشق دنبال ردپایی از این شبح گریزپا می‌گردد. کتاب، تقابل میان «تکنولوژی فوق‌پیشرفته غربی» و «هوش سرشار انسانی» مغنیه را به تصویر می‌کشد. در این اثر، شما با نابغه‌ای روبه‌رو می‌شوید که نه‌تنها از چنگ پیچیده‌ترین رادارهای امنیتی می‌گریخت، بلکه با تغییر مداوم قواعد بازی، تعقیب‌کنندگانش را به استیصال می‌کشاند. «در تعقیب موریس» یک تریلر واقعی و مستند از ۲۵ سال جنگ پنهان است که نشان می‌دهد چگونه ایمان و خلاقیت یک مرد، ماشین جنگی و اطلاعاتی استکبار را زمینگیر می‌کند.



۸ عماد مقاومت

کتاب «عماد مقاومت» (به عربی: عماد المقاومة) را باید یک دایره‌المعارف استراتژیک و جامع‌ترین روایت تصویری و تحلیلی از حیات نظامی شهید عماد مغنیه دانست. اگر آثار دیگر بر جنبه‌های فردی یا تعقیب و گریزهای اطلاعاتی تمرکز دارند، این کتاب با نگاهی کلان، به تبیین نقش حاج‌رضوان در «تغییر موازنه قدرت» در خاورمیانه می‌پردازد. جذابیت این اثر در آن است که فراتر از خاطرات شخصی، به کالبدشکافی «دکترین نظامی مغنیه» دست می‌زند؛ دکترینی که توانست ارتش کلاسیک صهیونیستی را در جنگ‌های ۲۰۰۶ و قبل از آن زمینگیر کند. کتاب با ارائه اسناد و تصاویری که بسیاری از آنها برای اولین‌بار پس از شهادت او منتشر شدند، نشان می‌دهد چگونه عماد از یک هسته کوچک مقاومت، یک ساختار نظامی شکست‌ناپذیر و منعطف ساخت. در «عماد مقاومت»، مخاطب با معمار بزرگ تونل‌های پیچیده جنوب لبنان و طراح اصلی یگان‌های موشکی آشنا می‌شود. این کتاب روایتگر نبوغ مردی است که جنگ را نه در اتاق‌های دربسته، بلکه در خط مقدم و با تکیه بر «اراده پولادین» تعریف می‌کرد. این کتاب دقیق‌ترین نقشه برای پی‌بردن به ذهن خلاق فرمانده‌ای است که ستون فقرات جبهه حق در برابر اشغالگری بود.



بررسی

حاج‌قاسم به روایت «قاسم»



محمد محمدی
مرورنویس

حاج‌قاسم برای من از آن گنج‌هایی است که دوست داشتم در گنجینه بماند. عادت از آفات زندگی ماست و من نمی‌خواستم حاج‌قاسم برایم دم‌دست باشد تا به او عادت کنم. دوست داشتم زمان مناسبی سراغش بروم؛ زمانی که بتوانم حاج‌قاسم را به‌عنوان یک «مجاهد» درک کنم. از بد روزگار هم تمام درک ما از شخصیت‌ها، در لابه‌لای کلمات و صفحات کتاب است. برای همین، از همان ایامی که طبیعتا سیر نوشتن و گفتن‌ها و خاطرات درباره سردار بزرگ ما شروع شد، هیچ‌کدام‌شان را جز کتابی که دست‌نوشته خود شهید بود نخواندم. دوست داشتم روایتی که می‌خوانم به دور از هیاهوی رسانه و غیرواقعی باشد تا این‌که بعد از پنج سال، در نمایشگاه کتاب «قاسم به روایت مرتضی سرهنگی» رونمایی شد.

کتاب این عنوان را دارد: قاسم به روایت مرتضی سرهنگی، اما گویی قاسم به روایت قاسم است. خودمانی و صمیمی است که یکی از بزرگ‌ترین فرماندهان نظامی جهان را این‌گونه خطاب کنیم، اما او خودش این‌گونه می‌پسندد: «دوست داشتم و دارم قاسم بدون پسوند یا پیشوندی باشم. لذا وصیت کردم روی قبرم فقط بنویسید سرباز قاسم، آن هم نه قاسم سلیمانی که گنده‌گویی است.»

کتاب برای‌تان قصه می‌گوید و روایت می‌کند. گویی خود حاج‌قاسم دست‌تان را می‌گیرد و همراه‌تان می‌کند در روستای قنات‌ملک قدم بزنید و کودکی را ببینید که در خانواده‌ای فقیر زندگی می‌کند؛ کودکی که برای پرداخت بدهی پدرش مجبور می‌شود برای نخستین بار پا به شهر بگذارد و کارگری را تجربه کند.

با حاج‌قاسم که دیگر دلداده خمینی است، در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر با شاه مبارزه می‌کنید و با شروع جنگ، فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله را برعهده می‌گیرید.

از همرزمانش برای‌تان می‌گوید؛ مرادش، حسین یوسف‌اللهی. از فرماندهی‌اش در عملیات‌های طریق‌القدس و فتح‌المبین و بیت‌المقدس تا بدر و شیرینی آزادسازی خرمشهر و ابتکارات حسن باقری. از اشرار می‌گوید که چطور در مناطق شرقی مانور می‌دادند و بعد از جنگ، با مدیریت اقتصادی و امنیتی بی‌نظیرش شرشان را کم کرد و امنیت داخلی را به ثبات رساند.

از اهدافش در فرماندهی سپاه قدس می‌خوانید؛ این‌که چگونه توانست ملت عراق را ـ که اختلافات سیاسی، قومیتی و مذهبی پررنگی بین‌شان بود ـ متحد و به ایران نزدیک کند. داعش که اعلام خلافت می‌کند، با حاج‌قاسم در تک‌تک عملیات‌ها و ابتکاراتش در شکست این غده صهیونی و آمریکایی همراه می‌شوید. می‌بینید چگونه برای دختران ایزدی در چنگال داعش اشک می‌ریزد. چگونه فکر و ذکرش حتی در زمان حضورش بین خانواده آزادی الرمادی بود و آن را کربلا می‌دانست. این‌که چطور همزمان دو کشور سوریه و عراق را از دهان قدرت‌های عربی ـ آمریکایی ـ صهیونی بیرون کشید و امنیت ایران را تضمین کرد.

از آزادی تدمر، موصل، دمشق، حماه می‌خوانید که اگر نبود، جایش باید کرمانشاه و شیراز و تهران را می‌نوشتم. کتاب مصداق روایت زندگی مجاهد فی‌سبیل‌الله است؛ کسانی که قرآن درباره آنها می‌گوید: «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ینتظر وما بدلوا تبدیلا.» مصداق روایت: «کونوا لنا زینا و لا تکونوا علینا شینا.» کسی که وقتی در وصیتش می‌نویسد «۳۰ سال است نخوابیدم» یعنی هجرت و بعد جهاد؛ از کرمان به بیابان‌های جنوب و شرق و غرب ایران در دوران دفاع از ایران، تا بیابان‌های عراق و سوریه و دفاع از حرم آل‌الله و انقلاب اسلامی. کتاب قاسم را بخوانید تا با هنر امام در تربیت اصحاب آخرالزمانی سیدالشهدا آشنا شوید.

پی‌نوشت: مرتضی سرهنگی (متولد ۱۳۳۳) را بحق «پدر ادبیات پایداری ایران» می‌نامند. او بنیان‌گذار دفتر ادبیات و هنر مقاومت در حوزه هنری است که بیش از سه دهه از عمر خود را وقف جمع‌آوری، تدوین و صیانت از خاطرات رزمندگان و آزادگان جنگ ایران و عراق کرده است.





احساسات‌مان اجازه دادیم ما را هدایت کند، کائنات وارد عمل شد.» این گزاره، جایگاه محوری خواست فردی را به خوبی نشان می‌دهد. در این الهیات جدید معیار حقانیت، نه انطباق با حقیقتی وحیانی، بلکه میزان کارآمدی آن در ایجاد احساس خوب و تحقق خواسته‌هاست. چنین دیدگاهی را می‌توان «خداانگاری ابزاری» نامید که در تضاد با مفهوم خدا در ادیان ابراهیمی، به‌عنوان معبودی حاکم و مشیت‌گر است. این رویکرد، نمونه یک «پلورالیسم (تکثرگرایی) دینی سطحی» است. در این نگاه، تمامی مفاهیم مقدس در ادیان، از بستر الهیاتی خود جدا شده و به‌صورت قطعاتی قابل تعویض در یک فروشگاه معنوی عرضه می‌شود.

انتخاب هر نام، نه بر پایه کشف حقیقت متعالی، بلکه براساس ترجیح شخصی و کارکرد آن است. چنین دیدگاهی در تناقض اساسی با بنیان ادیان توحیدی مانند اسلام قرار دارد که بر ضرورت شناخت صحیح خداوند تأکید دارند.

نقد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی

نقد دوم، معطوف به پیامدهای اجتماعی و روانی حاکم بر کتاب است. این آموزه، تمرکز کامل بر درون و احساسات فرد است. او شادی، زندگی در سهولت و عشق را به‌عنوان اهداف غایی زندگی مطرح می‌کند. این نگاه، نمونه اعلای «فردگرایی» حاکم بر فرهنگ خودیاری مدرن است. در این پارادایم، تمام مسئولیت موفقیت و شکست، به دوش خود فرد است. ساختارهای اجتماعی ناعادلانه، نابرابری‌ها و فقر در بهترین حالت نادیده گرفته شده و در بدترین حالت به‌عنوان بازتابی از «انرژی منفی» یا «باورهای محدودکننده» خود افراد قلمداد می‌شود. مفهوم «کارما» نیز در همین چارچوب فردگرایانه بازتعریف می‌شود: «هر انرژی‌ای که می‌دهیم، آن را هم دریافت می‌کنیم». این تفسیر ساده‌انگارانه، پیچیدگی روابط اجتماعی را نادیده می‌گیرد. از منظر روان‌شناختی، ایجاد این انتظار که فرد با کنترل افکارش قادر است همه چیز را کنترل کند، می‌تواند به افزایش اضطراب منجر شود. این روند، عملا فرد را از اقدام جمعی برای تغییر بازمی‌دارد و او را به سازگاری با وضع موجود سوق می‌دهد.

نقد یوگای کندالینی

یکی از ارکان عملی کتاب، ترویج یوگای کندالینی به‌عنوان یک تکنیک سریع برای اتصال به انرژی کیهانی است. این معرفی، افزون بر تحریف فلسفی، نادیده گرفتن مخاطرات جدی سلامتی است. در سنت‌های اصیل شرقی، بیداری کندالینی فرآیندی بسیار تدریجی و تحت نظارت دقیق یک استاد با سال‌ها تجربه است. بیداری ناگهانی یا نادرست این انرژی، بدون آمادگی جسمانی و روحی، می‌تواند منجر به عوارضی شود که در ادبیات این حوزه بیماری کندالینی نامیده می‌شود. این عوارض طیف وسیعی از اختلالات را دربر می‌گیرد: علائم جسمانی مانند گرمای غیرقابل‌کنترل در بدن، اسپاسم‌های عضلانی غیرارادی، دردهای مزمن، تا آشفتگی‌های شدید روانی مانند اضطراب فلج‌کننده، حملات هراس و بی‌ثباتی خلقی. ترویج این تمرینات به‌عنوان یک «تکنیک ساده خودیاری»، بدون هشدار، عملی غیرمسئولانه است.



از نگاه اعتقادی، این رویکرد با مبانی اسلامی در تعارض است. اولا هدف یوگای کندالینی در بستر اصلی خود، وصول به «اتحاد» با آگاهی مطلق (برهمن) یا تجربه «خود-خدایی» است که در تضاد با اصل توحید و عبودیت محض در برابر خدا در اسلام است. ثانیا این مسیر مبتنی بر تعطیل کردن عقل است، در حالی‌که اسلام جایگاه رفیعی برای عقل قائل است و تفکر را عبادت می‌داند. ثالثا باور به تناسخ در فلسفه یوگا جایگاهی اساسی دارد اما به‌صراحت توسط آموزه اسلامی معاد و قیامت نفی شده است. بنابراین ترویج این تمرینات نه‌فقط از جنبه سلامتی خطرناک است، بلکه از منظر دینی نیز به‌عنوان یک التقاط، باورهای اسلامی را تهدید می‌کند.

صنعت معنویت!

کتاب کائنات هوای شما را دارد اثر گابریل برنستاین، نه یک متن معنوی، بلکه نمونه‌ای از صنعت معنویت در عصر حاضر است. این کتاب با ارائه الهیاتی التقاطی و کاملا فردمحور، ترویج فردگرایی و ارائه نسخه‌های تقطیع‌شده از سنت‌های شرقی، در خدمت انطباق عاطفی فرد با نظم اجتماعی است. پیام نهایی این است که مشکل نه در ساختارهای جهان که در نگرش و احساسات درونی شماست. بنابراین راه‌حل نه تغییر جهان، که تغییر خودتان از طریق تکنیک‌های مشخص است. این گفتمان ضمن ایجاد آرامشی موقت، از یک‌سو با حذف عقلانیت در نادیده گرفتن ریشه‌های اجتماعی مشکلات و از سوی دیگر با تقدیس موفقیت شخصی و احساس خوب به‌عنوان هدف، عملا در خدمت بازتولید مناسبات موجود عمل می‌کند.